



سوره حدید  
آیه ۲

# حکومت جهان هستی

و در وقت او نیست

۲ - لَهْمَلِكِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَحْيِي وَيَمِيتُ وَهُوَ عَلِيُّ

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

حکومت آسمانها و زمین در دست اوست (خداوندی که) زنده میکند ، و میمیراند و بر همه اشیا قادر و توانا است .

روزگاری بشر بر اثر کوتاهی فکر ، هر حادثه‌ای را بخدائی نسبت می‌داد ، و بشاره انواع حوادث ، خدایانی مبتدیود ، مسأله «از باب انواع» در فلسفه یونان باستان مدتیها مطرح بود ، و طرقداران حدی داشت . و این عقیده با نوع از این طرز تفکر کوتاه است . در فلسفه ایران باستان فاعل و مصدر حیرات و کارهای يك «یزدان» و سده کارهای پد و باصلاح شورو آفات ، و اهریمن، بوده است و این عقیده ، قسم از شرك و دوگانه پرستی است .

عرب جاهلیت ، ستارگان و ادماع فلکی را در حوادث زمینی مؤثر دانسته ، و تصور می کردند که پدیده‌های طبیعی ، هر کدام در دست یکی از ستارگان است .  
اساس عقاید این دسته‌های گوناگون را ، يك مطلب تشکیل می‌دهد ، و آن اینکه تصور می کردند که ذات واحدیگانه ( آفریدگار جهان ) بطور منفرد قادر بر اداره کردن جهان هستی نیست ، از این نظر ، هر قسمی از این جهان ، هر حادثه‌ای از حوادث گیتی را ، بدست موجود مخصوصی سپرده و از جمله قدرت وی بیرون میگردند .

روی این عقاید و امثال آن که در کتابهای عقاید و مذاهب بطور تفصیل مذکور است ، اراده واحدی ، بر آسمانها و زمین ، حکومت میکند ، و حکومت جهان را بدست يك شخص نیست بلکه هر نوع حادثه‌ای در این جهان پنهانور ، بدست موجود و مقامی داده شده است .

هنوز مسأله شرك و دوگانه پرستی ، با اینکه افکار ملتها تکان سختی خورده ، در کشورهای های توسعه یافته مانند هندوژاپن ( ناپرسد به عقبمانده ) بوئیم رسوا و مسخره آمیزی پاتی است . و هر فرد عاقل و خردمندی از شنیدن اینگونه خرافات ، غرق حیرت و تعجب نمیگردد . هنوز دختران ژاپن که در آستانه ازدواج و خواهان شوهران مورد دلخواهاند ، در بحثها به دوربقی که بشکل خصیصی ساخته شده ، ضواف کرده و زبان بمؤال و التماس گشوده ، از آرزوهای ازدواج با جوان مورد میل و رغبت خود هستند .

اکثریت ملت بت پرست ژاپن برای هر حادثه و هر نیازمندی اجتماعی و انفرادی خدائی معتقد شده و هر کس را غ خدائی سرود ، که بر طرف کردن نیازمندی وی در دست اوست .

در چنین همراطی و قرن مشعشع ، این گونه خرافات بر مفرها حکومت میکند ، ولی اسلام توانا ، پیامبرانا و روشن ، با استمداد ارقام و حی بر تمام الوان و اقسام شرك قلم سرخ کشیده ، حکومت مطلق بی چون و چرای آسمانها و زمین را ، مخصوص ذات پروردگار دانسته و ادوار بر سه چیز ، ( اداره کردن تمام امور هستی ، حیات و زندگی دادن ، مرگ و حیات را باز گرفتن ) قادر و توانا معرفی کرده است چنان که در آیه دوم چنین فرمود :

حکومت آسمانها و زمین در دست اوست . اوست که زنده میکند و زندگی باز میگیرد و او ( علیرغم اینگونه افراد کوتاه نظر که ذات او را برای اداره جهان هستی کافی نمیدانند ) بر همه چیز قادر و توانا است .

این مسأله از نظر قرآن بقدری حساس و جالب است که در بیش از بیست مورد این مطلب با مختصر تفاوت تکرار شده است ، و گاهی بلفظ آیه مورد بحث وارد گردیده است مثلاً در جایی فرموده : **لَهُ الْمُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ** ( شوری آیه ۴۹ ) یعنی حکومت این مسأله از نظر قرآن بقدری حساس و جالب است ، و هر چه بخواهد خلق میکند .

و نیز میفرماید **وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ الْمُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا** ، ( زخرف آیه - ۸۵ ) یعنی بزرگی آخدائی است ، که حکومت آسمانها و زمین و آنچه در میان این دو قرار گرفته است ، بدست اوست .

## خدا و تأثیر علل مادی

این اعتقاد ، بپنرا اعتقاد است که تمام حوادث از اوسر چشمه میگیرد ، و او حکومت مطلقه جهان هستی را در دست دارد . و فاعل مطلق و علت واقعی برای هر پدیده‌ای اوست ، مانع از آن نیست که سادرجهان خود به علت و معلول طبیعی معتقد گردیم ، و هر حادثه طبیعی را بدنبال يك

علت‌سادی بدانیم .

دانشمندان الهی به پیروی از تعالیم غالبه اسلام و قرآن و سایر ادیان آسمانی ، در عین اینکه اعتقاد دارند ، که فاعل حقیقی و حاکم واقعی در جهان خداست ، ولی سازمان هستی جهان ماده را بر اساس دستگاه علت و معلول طبیعی استوار میدانند .

قرآن در مورد مختلفی به علل و معالیل طبیعی تصریح کرده ، مثلاً پیدایش پدیده هائی مانند جانداران و نزول برف و باران و پرورش گیاهان و .. را معلول يك سلسله علل مادی دانسته است ، و در عین حال ، جمله جهان هستی را از آن خدا معرفی کرده است .

این يك سبقتی است که اساس فلسفه الهی را تشکیل میدهد ، او آنچنانکه ، ایمان دارد که این جهان ، جهان اسباب و مسببات است ، و یک جهان پیوسته و بهم متصل و منبسط و منبسطها و معلولهای مادی است ، همچنان ایمان دارد که سازنده این عظم ، پدید آورنده این کیان ، حافظ و نگهدارنده این دستگاه آفرینش ، وجود آورنده علت و سبب ، معطی و هدیه قدرت و توانائی به آنها ، همان آفریدگار جهان است ، که حکومت مملکت خلقت در دست او است .

يك فرد موجود خداشناس به تمام قوانین علمی که در گویا شناسی و حیوان شناسی ، و فیزیک و شیمی و کلیه علوم بر سمیت شناخته شده ، اعتقاد راسخ دارد ، ولی میگوید : این جهان ماده با این قوانین و خصوصیات ، با این اسباب و علل که در عرض هم قرار گرفته اند ، بیک آفریدگار توانائی منتهی میگردد ، که تنظیم کننده این جهان و معلول و پدید آورنده این اسباب و مسببات است ، او هر چه بخواهد جهان هستی را اراده او تنگت میکند ، و تمام نظام هستی از علل و معالیل طبیعی ملقب خواست و اراده او مشمول کارند . او هر چه را اراده کند یا آفریدن علت مادی آن ، صورت عمل بخورد میپذیرد .

### تحریر حقائق پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

با این اعتراضات و تصریحات ، بسیار تنگ و مبهمی است که برخی از مادیها روی فرضیه ورزی ، خداپرستان نسبت میدهند که : « او فراد خداپرست ، چون منتقد خدا هستند دیگر شواهد و سنن طبیعی و راز و روائی که در جهان ماده است ، ایمان ندارند ، و همه حوادث را بطور مستقیم بخدا نسبت داده ، تأثیر اسباب و علل مادی را نادیده میگیرند .

این يك افتراء و دروغ بسیار روشنی است ، که قرآن و فلسفه الهی آنرا بحدت انکار کرده ، فلسفه الهی هر دو علت و سبب که یکی در طول دیگری است ، عقیده راسخ دارد .